



Rereading the Jurisprudential Precept of Sexual Enjoyment from a Minor Wife in the Light of Psychoanalytic Considerations

Mohammad Reza Kazemi Golvardi, Ph.D., Associate Professor, Faculty of Theology, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran (Corresponding Author)

Email: mr_kazemigolvardi@yahoo.com

Reihaneh Izadi, Ph.D. Graduate, Islamic Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Islamic Azad University, University Lecturer

Abstract

Sometimes, certain instances of jurisprudential opinions seem to be in conflict with moral principles and values. Among such instances is sexual enjoyment from a minor wife permitted by a group of jurists. The present study, through a library and analytical-descriptive method, seeks to criticize that fatwa, introduce the different opinions of jurists in this regard and examine their proofs in addition to examining this issue from both legal and factual aspects, taking into account the child's mental injuries from the perspective of Psychology knowledge. The authors believe that given the proved mental injuries as well as severe mental disorders inflicted on the child as a result of sexual enjoyment and based on the rule of negation of detriment and harmful precepts in Islam, sexual enjoyment from a child wife may not be permissible from the viewpoint of Sharia and the opinions of certain jurists regarding its permissibility originate probably from their failure to discover and identify its numerous mental injuries and non-proof of its customary and moral obscenity to them; otherwise, in case of identification of such injuries, they would also issue a fatwa regarding the prohibition of this issue.

Keywords: Sexual Enjoyment from a Minor Wife, Child Abuse, Moral Obscenity, Emotional Abuse



HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir	شماره ۳ - شماره پیاپی ۱۳۰ - پاییز ۱۴۰۱، ص ۱۸۲ - ۱۶۵
شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۳۹	شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۳	تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹
نوع مقاله: پژوهشی	DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.62647.0

بازخوانی حکم فقهی استمتاع از صغیره در پرتو ملاحظات روان کاوانه

دکتر محمدرضا کاظمی گلوردی (نویسنده مسئول)

دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران

Email: mr_kazemigolvardi@yahoo.com

دکتر ریحانه ایزدی

دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی و مدرس دانشگاه

چکیده

در آرای فقهی گاهی مواردی با اصول و ارزش‌های اخلاقی مغایر به نظر می‌رسد. یکی از این موارد، مسئله استمتاع از زوجه صغیره است که گروهی از فقها به جواز آن رأی داده‌اند. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای و تحلیلی توصیفی درصدد نقد این فتوا، طرح اقوال مختلف فقها در این موضوع و بررسی ادله ایشان است و نیز این مسئله را موضوعاً و حکماً با توجه به آسیب‌های روانی کودک از نگاه دانش روان‌شناسی، بررسی می‌کند. نگارنده بر این باور است که با توجه به صدمات اثبات‌شده روانی و اختلالات شدید روحی که از این ناحیه بر کودک وارد می‌شود و به حکم قاعده نفی ضرر و احکام ضروری در اسلام، استمتاع جنسی از کودک نمی‌تواند از نگاه شریعت اسلام امری مجاز تلقی شود و آرای برخی از فقها مبنی بر جواز آن احتمالاً ناشی از عدم کشف و احراز آسیب‌های متعدد روحی و عدم اثبات قبیح عرفی و اخلاقی نزد آنان بوده است؛ وگرنه در فرض احراز این آسیب‌ها، آنان نیز به حرمت این مسئله فتوا می‌دادند. واژگان کلیدی: استمتاع از صغیره، کودک‌آزاری، قبح اخلاقی، آزار هیجانی.

مقدمه

در منابع فقهی برای صحت ازدواج، سن مشخصی لحاظ نشده است. برطبق نظر فقهای امامیه، ازدواج پسر و دختر خردسالی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، با اذن ولیّ شرعی (پدر یا جد پدری) صحیح است و پدر و جد پدری بر فرزند صغیر و فرزند بالغ دیوانه خود ولایت در ازدواج دارند و می‌توانند او را به ازدواج دیگری درآورند (کلینی، ۹۷/۷؛ حر عاملی، ۱۰۲/۲۰؛ مفید، ۱۰۷۲، ۵۱۱؛ طوسی، ۴۶۰، ۴۶۴؛ علم الهدی، ۴۳۶، ۲۸۶؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ۱۱۷؛ شهیدثانی، ۱۱۸/۷؛ خوئی، مستند العروة الوثقی، ۲/۲۴۸).

روایات متعددی نقل شده از ائمه اطهار(ع) حاکی از آن است که شارع مقدس برای ازدواج دختر، محدوده سنی خاصی تعیین نکرده است و ازدواج دختری که به سن نه سال نرسیده، صحیح شمرده شده است (کلینی، ۸۵/۶؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۳۴/۱۰؛ حر عاملی، ۴۱۱/۱۸).

در اصل جواز ازدواج کودکان نابالغ و ولایت شرعی (پدر یا جد پدری)، فقهای شیعه هم عقیده هستند؛ ولی بسیاری از آنان این حکم را مقید می‌دانند و به اطلاق آن قائل نیستند. برخی، جواز این ازدواج را منوط به رعایت مصلحت کودک (ابن ادریس، ۵۶۰/۲؛ محقق حلی، ۲۲۰/۲؛ شهیدثانی، ۱۱۶/۷) و برخی دیگر، منوط به عدم مفسده در این نکاح کرده‌اند (نراقی، ۱۶۷/۱۶).

دلیل فقهایی که ولایت ولیّ را منوط به رعایت مصلحت کودک کرده‌اند، دلیل اولویت است که بر اساس آیه ۱۵۲ سوره انعام «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ به اموال یتیم جز به نیکوترین روش نزدیک نشوید، معتقدند که تصرف در اموال طفل باید با رعایت مصلحت باشد. بر این اساس، به طریق اولیّ تصرف در زندگی آینده کودک باید با رعایت مصلحت باشد. همچنین معتقدند که ولایت اولیا امری عقلایی است و عقلاً مصلحت را عنصر اساسی می‌دانند. به تعبیر دیگر، اختیار ولیّ امری تبعیدی نیست، بلکه قاعده‌ای عقلایی است که دلایل شرعی نیز آن را تأیید و امضا می‌کند (مکارم شیرازی، ۴۳۳/۱ تا ۴۳۴).

فقهایی که ولایت را منوط به عدم مفسده کرده‌اند، معتقد به اجماع هستند. فاضل نراقی در مستند الشیعة ادعای اجماع دارد بر اینکه این نکاح نباید هیچ‌گونه مفسده‌ای برای طفل داشته باشد و در صورت وجود مفسده، این ازدواج محکوم به بطلان است (۱۶۷/۱۶) و نیز برخی از فقها معتقدند به اینکه ادله، مقید به رعایت مصلحت نشده است (حکیم، ۴۵۶/۱۴).

مکارم شیرازی می‌گوید: نکاح باید بنا بر احتیاط واجب هم خالی از مفسده و هم دارای مصلحت برای هر دو باشد (۱۴۲۵، ۳۰۰).

در کتاب الفقه علی المذاهب الخمسة آمده است: همه مذاهب اسلامی اتفاق دارند که ولیّ (سرپرست) اختیار دارد پسر و دختر خردسال یا دیوانه را به عقد همسری مناسب درآورد (مغنیه، ۴۵۳/۱۴). تشخیص و نظر ولیّ کودک در مصلحت یا مفسده داشتن ازدواج او به طور مصداقی تأثیرگذار است؛ ولی واضح است که عوامل و متغیرهای فراوانی می‌توانند در صلاح و فساد یک امر، تأثیرگذار باشد و به عبارتی مصلحت و مفسده داشتن امری، نسبی و اضافی است نه مطلق. رعایت مصلحت در بحث ازدواج صغیره به مقتضای مکان و زمان و با تغییر هنجارهای اجتماعی تغییر می‌کند و دگرگون می‌شود. لذا در زمان کنونی با توجه به تغییر شرایط اجتماعی و مقتضیات زمان، پذیرش این امر که تزویج صغیره امری عادی تلقی شود، بسیار دشوار است و اگر گفته شود امروزه مسئله تزویج صغیره در بیشتر موارد خلاف مصلحت کودک است و به ضرر کودک منتهی می‌شود و معمولاً عدم رضایت کودک را در آینده در پی خواهد داشت، سخنی گزاف نخواهد بود. بنابراین می‌توان گفت: تزویج کودک در زمان کنونی و شرایط فعلی اجتماع، غالباً منجر به عدم رضایت کودک در آینده و طلاق و جدایی و انحلال زندگی مشترک خواهد شد که این امر قطعاً موجبات بروز ضرر و مفسده برای زندگی او را فراهم می‌کند.

ممکن است در مواردی مصلحت موجود باشد؛ ولی قانونگذار غالباً برای موارد خاص که مصلحت موجود باشد قانونی را تجویز نمی‌کند و به قوانین کلی اشاره دارد. البته بدیهی است که در موارد استثنائی که به نظر حاکم شرع مصلحت اقوی و ضرورتی ایجاب کند، صغیره به ازدواج شخصی در بیاید، مطابق قانون تراحم این امر مجاز و شرعاً بدون اشکال تلقی می‌شود، ولی در این نوشتار به موارد خاص و استثنا پرداخته نمی‌شود.

دلیل اینکه چرا امر ازدواج صغیره در گذشته توسط فقها مجاز تلقی می‌شده و بین مردم نیز رواج داشته است، شاید به این دلیل است که جواز حکم ازدواج با صغیره ناشی از یک دلیل، مصلحت، انگیزه یا نیازی اجتماعی بوده که این منشأ و ضرورت جواز و رواج ازدواج با صغیره، در گذر زمان دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته و آن را از نظر عقلی و عرفی نیز منطقی تلقی کرده است و بعید نیست که منشأ فتوا به جواز و رواج ازدواج با صغیره در گذشته، ضرورتی اجتماعی بوده است؛ ضروریاتی که ازدواج با دختر صغیره را بنا بر مصلحت او لازم آورده و بعضاً به عرف اجتماعی تبدیل کرده، مانند وجود منفعت برای کودکان که در نگاهی واقع بینانه نشانگر این است که در ازدواج با کودکان بعضاً منافی برای آن‌ها وجود داشته که اقدام به این کار را عقلایی می‌کرده است؛ به طور مثال، در شرایط بروز جنگ‌ها و حوادث طبیعی مثل سیل، زلزله و... و پیامدهای سخت و ناگوار ناشی از آن، شرایطی به وجود می‌آمد که پدری به علت شرایط خاص جنگ و ناامنی نمی‌توانست دختر و خانواده خود را همراهی کند و آن‌ها را به نقاط امن و دور از جنگ برساند. در

چنین شرایطی، اگر مرد امینی یافت می‌شد که با اذن پدر دختر با او ازدواج کند و آن‌ها را به مناطق امن برساند، این ازدواج انجام می‌شد و سلامت آن دختر و خانواده‌اش را تضمین می‌کرد. به نظر می‌رسد چنین تدبیر اتخاذ شده به دلیل ناچاری، مورد تأیید عقلاً باشد. همچنین دیده می‌شد که کودکی که در خانواده‌ای به دنیا می‌آمد که شرایط زندگی مساعدی نداشت و آینده خوبی هم برای او متصور نبود، در چنین شرایطی پدر با هدف تضمین آینده دخترش و نجات او از فقر و فلاکت، دختر خردسال خود را به ازدواج فرد ثروتمندی در می‌آورد تا آینده او را تأمین کند یا با به ازدواج درآوردن کودک خود با فردی ثروتمند او را شرعاً مستحق ارث از اشخاص ثروتمند می‌کرد تا آینده کودک خود را تضمین کند یا پدرانی که دختران خردسال خود را به ازدواج افراد سرشناس و مشهور از نظر مذهبی، سیاسی و اجتماعی در می‌آوردند تا فرزندشان به شخصیت‌های بزرگ متصل شوند و از این طریق در آینده، پیشرفت اجتماعی سریع‌تری داشته باشند.

یکی از منافع رایجی که نیاز به ازدواج صغیره و ضرورت آن را سبب می‌شد و در کشور و فرهنگ ما هم رایج بود، موضوع محرمیت است. در مواردی که افراد و خانواده‌ها بخواهند ارتباط راحت‌تری با هم داشته باشند و دچار گناه نشوند، با ایجاد محرمیت، از منافع عقد شرعی کودکان بهره‌مند می‌شوند. این مسئله در قدیم که خانواده‌ها گسترده‌تر بود و همه با هم زندگی می‌کردند و افراد مسئله محرم و نامحرم را جدی‌تر رعایت می‌کردند، برای برقراری راحت‌تر ارتباط میان افراد خانواده‌ای بزرگ رایج بود؛ یعنی بدون اینکه ازدواج و تشکیل خانواده‌ای رخ دهد، دختر بچه‌ای را به عقد کسی در می‌آوردند که در سایه این ازدواج افرادی در خانواده به هم محرم می‌شدند و ارتباط راحت‌تری با هم داشتند، هرچند در این خصوص برخی از فقها معتقدند که آنچه مجوز ولی در نکاح صغیره است، رعایت مصلحت صغیر است نه مصلحت کبیر و در این گونه عقدها و محرمیت‌ها آنچه مصلحت واقع می‌شود، معمولاً محرم شدن مادرزن و افراد دیگر با هم است نه منفعت کودک. مصالحی مانند راحتی رفت و آمد خانوادگی مطرح است که ربطی به کودک ندارد. این فقها این گونه محرمیت‌ها که مصلحتی برای کودک ندارد را جایز نمی‌دانند (صانعی، ۲).

در مواردی که زوجین از نعمت فرزند محروم هستند و تمایل دارند کودکی را به فرزندی قبول کنند نیز برای ایجاد محرمیت بین فرزندخوانده و زوجی که او را به فرزندی قبول می‌کنند، معمولاً این کودک را موقتاً به عقد یکی از نزدیکان در آورند تا در سایه این ازدواج موقت، آن کودک به پدرخوانده یا مادرخوانده خود محرم شود. در این مواردی که ذکر شد، چنانچه ازدواج صغیره با رعایت مصلحت و همچنین نداشتن مفسده برای او انجام شود، کاملاً منطقی، عاقلانه و انسان‌دوستانه به نظر می‌رسد. لذا در تمام موارد ذکر شده، هدف از ازدواج با صغیره، منافع و مصالحی بوده که آثارش متوجه کودک می‌شده و هدفی غیر از استمتاع مدنظر بوده است.

نکته دیگر اینکه آنچه در روایات و شریعت درباره ازدواج با خردسال مطرح شده است، صرفاً بیان اصل جواز ازدواج با خردسال بوده ولی سفارش و تأکیدی بر آن نشده است، بلکه در مواردی توصیه به منع ازدواج با خردسالان شده است.^۱ روشن است که جواز ازدواج قبل از سن بلوغ به معنای جواز همه اعمال زناشویی نیست و برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی و ورود آسیب جسمی و روحی به کودک و رعایت مصلحت او، جواز عمل آمیزش، به بعد از نه سالگی موکول شده است و در صورتی که شوهر از این قانون اسلام تخلف کند و با همسر نابالغ خود نزدیکی کند و این کار او سبب بروز آسیب به سلامتی جسمی او شود، علاوه بر حرام شدن دائمی این همسر بر زوج، مجازات‌های مالی سختی را برای زوج فراهم می‌آورد (علامه حلی، تحریر الاحکام؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۳۴/۱۰) که فقهای بزرگ شیعه در کتب فقهی و رساله‌های عملیه خود به آن اشاره و تأکید کرده‌اند که ارتباط جنسی (آمیزش) با زوجه، مشروط به رسیدن او به سن نه سالگی؛ یعنی سن بلوغ است. شیخ مفید در این خصوص می‌گوید: «هرگاه مردی با دختری که کمتر از نه سال دارد، نزدیکی کند و این کار او سبب افضاء (بروز مشکلاتی در اعضای جنسی او) شود، باید دیه کامل او را پردازد و همه مخارج او را نیز تا آخر عمرش برعهده بگیرد» (مفید، ۷۴۷).

علامه حلی می‌گوید: «زمانی که سن همسر کمتر از نه سال باشد، نزدیکی شوهر با او جایز نیست و اگر چنین کند کار حرامی انجام داده و اگر با این کار، افضاء (یکی شدن مجرای ادرار و حیض) صورت گیرد، آن‌ها بر هم حرام شده و هیچ‌گاه حلال نمی‌شوند و شوهر باید دیه او را پردازد و مخارج او را تا آخر عمر خود یا او تأمین کند» (تحریر الاحکام، ۴۶۷/۳). شیخ طوسی در کتاب خلاف می‌نویسد: «هرگاه شخص با زوجه خویش نزدیکی کند و باعث افضاء وی شود، اگر زوجه کمتر از نه سال داشته باشد، پرداخت دیه و مهر زوجه بر شخص واجب می‌شود» (تهذیب الاحکام، ۲۵۷/۵). محقق حلی در نکت‌النهاییه در صورت افضاء صغیره حکم به حرمت ابدی داده است (۱۴۱۲، ۲۹۲/۲).

بنابراین همه فقها قائل به عدم جواز آمیزش جنسی با دختر نابالغ هستند، اما در خصوص جواز یا عدم جواز سایر استمتاعات جنسی (به غیر از آمیزش) از دختر صغیره، نظرات مختلف است.

۱. بیان اقوال فقها

برخی از فقها در خصوص حکم استمتاع از صغیره، قائل به جواز همه استمتاعات جنسی (به غیر از

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ قِيلَ لَهُ إِنَّهُ تَزَوَّجُ صَبِيَّاتَنَا وَهُمُ صِبَاغٌ قَالَ إِذَا زُوِّجُوا وَهُمُ صِبَاغٌ لَمْ يَكَادُوا يَتَأَلَّفُوا؛ شخصی به امام صادق (ع) عرض کرد: ما فرزندانمان را درحالی که خردسال هستند به ازدواج دیگران در می‌آوریم. امام پاسخ دادند: در این حالت بعید است با هم انس بگیرند و با آرامش زندگی کنند (کلینی، ۳۹۸/۵۶).

۲. الرجل إذا جامع الصبية ولها دون تسع سنين فأفضاها كان عليه دية نفسها والقيام بها حتى يفرق الموت بينهما...

آمیزش) از دختر زیر سن بلوغ و حتی طفل شیرخوار شده‌اند (طباطبایی یزدی، ۸۱/۲) و دسته‌ای دیگر از فقها معتقدند استمتاع از صغیره به دلیل مغایرت با اصول اخلاقی جایز نیست (شهیدثانی، ۴۴۳/۸).

در ذیل نظرات و اقوال این دو دسته از فقها را بیان می‌کنیم.

۱. دسته اول فقهای هستند که به دلیل مطلق بودن عمومات در روایات، فقط حکم به حرمت آمیزش با صغیره داده‌اند و بقیه استمتاعات جنسی از صغیره را به دلیل عمومات و نبودن نهی از طرف شارع، جایز می‌دانند.

فاضل مقداد، فقیه قرن نهم در این باره می‌گوید: «با رسیدن زوجه به سن نه سالگی، نزدیکی با وی جایز نیست و آنچه که حرام است تنها آمیزش با وی است، نه سایر کام‌جویی‌ها» (۲۶/۳).

صاحب جواهر در این باره می‌نویسد: «تحریم نزدیکی با زوجه نابالغ، موافق با صریح فتوای بعضی از اصحاب و ظاهر کلام برخی دیگر، فقط به آمیزش و دخول اختصاص دارد و باقی استمتاعات مجاز است؛ به دلیل اصل اباحه (۴۲۵/۲۹).

سید یزدی، صاحب عروة الوثقی درباره حکم استمتاع از صغیره می‌نویسد: «نزدیکی با زوجه قبل از تمام شدن نه سالگی جایز نیست، خواه نکاحش دائمی باشد یا منقطع و اما سایر لذت‌ها مانند نگاه کردن، لمس کردن با شهوت، بغل گرفتن و تفخیز او حتی در شیرخوار اشکالی ندارد (۸۱/۲).

پس از فتوای سید یزدی، تعدادی از فقها نیز قائل به همین حکم شده‌اند (خمینی، ۱۴۲۱، ۲۴۱/۲؛ مرعشی، ۲۰۸/۲؛ فاضل لنکرانی، ۲۴).

سبزواری، صاحب مهذب الاحکام نیز با تأیید حکم مذکور، دلیل آن را اصل اباحه، اطلاق ادله، اجماع و اتفاق فقهای امامیه بر این امر می‌داند و می‌نویسد: «نزدیکی با زوجه قبل از اتمام نه سالگی جایز نیست، اما استمتاعات کم‌تر از وطی، در تمام موارد جایز است؛ به علت اصل جواز، اتفاق اصحاب، اطلاقات ادله (سبزواری، ۱۴۱۳، ۷۳/۲۴).

برخی از فقها مانند آیت‌الله سیدصادق روحانی، صاحب فقه الصادق (ع) و سبزواری، صاحب مهذب الاحکام حتی در این خصوص ادعای اجماع کرده‌اند^۵ (همان، ۷۳/۲۴؛ روحانی، ۸۸/۲۱) و در خصوص

۱. لایدخل بالمرأة حتى يمضي لها تسع سنين ويحرم الوطء، لاغيره.

۲. الظاهر اختصاص التحريم في الوطء قبلا ودورا؛ دون باقي الاستمتاعات؛ وفاقاً لصریح بعض وظاهر آخرين؛ للأصل السالم عن المعارض.

۳. لايجوز وطء الزوجه قبل إكمال تسع سنين؛ دواماً كان النكاح أو متعاً...؛ وأما الاستمتاع بما عدا الوطء، من النظر واللمس بشهوة والضم والتفخيز، فجاز في الجميع؛ ولو في الرضيعه.

۴. لايجوز وطء الزوجه قبل إكمال تسع سنين... أما الاستمتاع بما عدا الوطء فجاز في الجميع للأصل والإطلاق والاتفاق.

۵. «هل يجوز الاستمتاع بما عدا الوطء من النظر واللمس بشهوة والضم والتفخيز؟ الظاهر ذلك؛ ولو في الرضيعه؛ للأصل السالم عن المعارض).

استمتاع از زوجه صغیره در غیر موارد وطی؛ از قبیل نگاه کردن، لمس کردن با شهوت، بغل گرفتن و تفخیز معتقدند که ظاهر ادله حاکی از جواز چنین اموری است، حتی در خصوص زوجه شیرخوار؛ به علت اصل جواز و اباحه، بدون آنکه معارضی برای آن وجود داشته باشد (همان).

این دسته از فقها معتقدند به دلیل اینکه حکم به صورت مطلق مطرح شده و فقط آمیزش را از عموم خارج کرده و نهی و منعی از طرف شارع درباره سایر استمتاعات نرسیده است، بنابراین بقیه استمتاعات از صغیره جایز است. ایشان دلیل این قول را عموماً ادله جواز استمتاع می‌دانند که وطی زوجه نابالغ به دلیل وجود روایت از عموم حکم خارج شده و باقی استمتاعات تحت عموم حکم باقی می‌مانند.

۲. دسته دوم جمعی از فقها هستند که حکم جواز استمتاعات از صغیره را نمی‌پذیرند؛ چراکه این امر را نزد عقلا امری ناپسند تلقی می‌کنند و با در نظر گرفتن ضرر و آسیب روحی که این عمل می‌تواند بر کودک وارد سازد، معتقد به عدم جواز استمتاعات جنسی از کودک هستند. شهید ثانی از جمله این فقیهان است که در دختر صغیره، همه گونه استمتاعات جنسی را از او ممنوع می‌داند (۴۴۳/۸).

از فقهای معاصر، اولین شخصی که این حکم را مطرح کرد آیت الله مکارم شیرازی است. ایشان با جواز هرگونه استمتاع از صغیره مخالف است و حتی در دیدار اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس و در پاسخ به استفتاء عضو هیئت رئیسه کمیسیون، فتوایی درباره ازدواج دختران در سنین پایین صادر کرد و در پاسخ به این مسئله که ازدواج در سنین زیر سیزده سال در کشور ما باعث آسیب شده است گفت: از نظر فتوا اجازه این ازدواج را نداده و نمی‌دهم. ایشان با در نظر گرفتن ضررهایی که متوجه صغیره می‌شود و همچنین امکان بروز شبهاتی که به وجود می‌آید، در کتاب النکاح به این نکته اشاره می‌کند که: جمعی از فقهای متأخر و معاصر هستند که در خصوص جواز استمتاعات جنسی از صغیره قائل اند که حکم مذکور با این عمومیت و شمول پذیرفتنی نیست؛ چراکه برخی از استمتاعات از صغیره نزد عقلا امری قبیح و ناپسند تلقی می‌شود؛ مانند استمتاع از رضیعه. لذا عموماً استمتاع زوج از زوجه به آنچه نزد عقلا متعارف است، منصرف است و شامل همه موارد نمی‌شود (۱۳۵/۲).

آیت الله شبیری زنجانی نیز در کتاب النکاح، استمتاعاتی را که منجر به ورود ضرر به زوجه نابالغ شود، جایز نمی‌داند و می‌فرماید: سایر استمتاعاتی که منشأ ضرر به صغیره نیست، جایز است...؛ البته اگر این‌ها هم موجب ضرر شود، نباید آن‌ها را جایز دانست ().

مصطفی خمینی در مستند تحریر الوسيلة، نظر امام خمینی را مبنی بر جواز سایر استمتاعات پذیرفته

است و در این باره می‌نویسد:^۱ جواز برخی از استمتاعات غیرمتعارف از زوجة نابالغ (مانند تفخیز)، خارج از مقتضای عقد است و احتیاج به دلیلی دارد که انجام چنین اموری را تجویز کند و نمی‌توان در فتوا به جواز آن به اطلاقات و عمومات ادله استناد کرد (۳۴۴/۲). آیت‌الله عندلیب همدانی مدعی است هرگونه استمتاع و بهره‌برداری جنسی از کودک، تکلیفاً حرام است؛ چون مصداق بارز ظلم و تعدی و خلاف عقل است و این فتوا را خلاف مذاق شارع مقدس می‌داند (عندلیب همدانی).

۲. ادله معتقدان به جواز

فقهایی که قائل به جواز استمتاعات از صغیره شده‌اند، سه دلیل بر مدعای خود ذکر کرده‌اند که به نقد این دلایل می‌پردازیم.

دلیل اول: چنانچه ذکر شد تعدادی از فقها،^۲ عمومات و اطلاق ادله را دلیل جواز استمتاع از صغیره ذکر کرده‌اند؛ به این صورت که آمیزش با زوجة نابالغ از عموم استمتاعات خارج می‌شود و سایر استمتاعات، تحت عمومات باقی است، پس سایر استمتاعات جایز است.

این فقها به روایاتی در این باره استناد کرده‌اند؛ برای نمونه به روایتی از زراره به نقل از امام باقر(ع) اشاره شده است که ایشان فرمودند:^۳ «تا قبل از نه یا ده سالگی، نزدیکی با زوجه جایز نیست» (کلینی، ۳۹۹/۵؛ حر عاملی، ۱۰۲/۲۰). آن‌ها چنین نتیجه گرفته‌اند که چون در روایات فقط آمیزش با زوجه، منوط به سن خاصی شده و از عمومات خارج شده است، بنابراین سایر استمتاعات مجاز است.

دلیل دوم: برخی از فقها برای جواز سایر استمتاعات (به جز آمیزش) از زوجة نابالغ، به اصل اباحه استناد کرده‌اند؛ با این استدلال که اصل بر جواز و اباحه این‌گونه استمتاعات است، مگر اینکه نهی و ردعی از سوی شارع وارد شده باشد. (صاحب‌جواهر، ۴۲۵/۲۹). آیت‌الله موسوی گلپایگانی در کتاب هدایة العباد (۳۰۵/۲)، آیت‌الله مرعشی نجفی در کتاب منهج المؤمنین (۲۰۸/۲)، از فقهای معاصری هستند که ظاهر کلمات ایشان، جواز سایر استمتاعات (به جز آمیزش) در زوجة نابالغ به دلیل اصل اباحه است (بحرانی، ۱۲۴/۱).

دلیل سوم: یکی از ادله‌ای که برخی از قائلان به جواز مانند آیت‌الله سیدصادق روحانی، صاحب فقه الصادق(ع) (۸۸/۲۱) و سبزواری، صاحب مهذب الاحکام (۷۳/۲۴) به آن استناد کرده‌اند، اجماع است.

۱. «جواز بعضی الاستمتاعات غیر المتعارف (کالتفخیز)، الخارجة عن اقتضاء العقد؛ محتاج إلى الدلیل المرخص.»

۲. سید یزدی در عروة، محقق خوئی در حاشیة خود بر عروة الوثقی، امام خمینی در تحریر الوسیلة، آیت‌الله مرعشی نجفی در منهج المؤمنین، آیت‌الله موسوی گلپایگانی در هدایة العباد و آیت‌الله فاضل لنکرانی در تفصیل الشریعة.

۳. لایدخل بالجاریه؛ حتی یأتی لها تسع سنین او عشر سنین.

ایشان معتقدند که در این مسئله که سایر استمتاعات به جز آمیزش جایز است، اجماع شده است.^۱

۳. پاسخ و رد ادله قائلان به جواز

أ. پاسخ دلیل اول: از نظر فقهای شیعه، همه احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد هستند؛ به این معنا که در شرع مقدس اسلام چیزی واجب نشده است، مگر اینکه در آن منفعتی برای بندگان لحاظ شده و چیزی حرام نشده، مگر اینکه در آن ضرری متوجه بندگان می شده است. در واقع، ضرر همان طور که علت تشریح محرّمات است، علت رفع حکم و عدم تشریح آن نیز است؛ به این معنا که در اسلام هر چه برای بندگان مضر باشد، حرام است و بر اساس قاعده لاضرر که از مشهورترین قواعد فقهی به شمار می رود، هر حکم مباحی که برای انسان ضرر درخور توجهی داشته باشد، حرام و ممنوع است. به دلیل این قاعده، در فقه هر حکمی از احکام اولیه که سبب بروز و ورود ضرر به مکلف شود، برداشته خواهد شد (بجنوردی، ۲۶۳/۱).

در مسئله محل بحث، باتوجه به اینکه ضرر صرفاً در ضررهای جسمی خلاصه نمی شود و شامل هرگونه نقصان و آسیب بر فرد، از جمله آسیب های روحی و روانی می شود و چنانچه از نظر علمی ثابت شود که کامجویی و استمتاع جنسی از صغیره، آسیب روحی و روانی برای وی در پی دارد، می توان بر اساس قاعده مذکور حکم به ممنوعیت و عدم جواز این امر داد.

در هر مسئله شرعی، تشخیص حکم با مجتهد است، اما در شناخت موضوع، مجتهد مانند بقیه مکلفان است؛ چراکه تشخیص موضوع به عهده کارشناسان فن است؛ مثلاً مجتهدان فتوا می دهند که هر چیزی که برای بدن ضرر درخور توجهی داشته باشد، حرام است. اما اینکه آیا سیگار برای بدن ضرر معتنی به دارد یا نه، بر عهده مجتهد نیست، بلکه موکول به نظر متخصصان و کارشناسان آن حوزه است که ضرر شایان توجه سیگار را ثابت کنند. در شناخت موضوعات احکام، مجتهد نیز مانند یکی از مکلفان است و تشخیص موضوع، موکول به نظر خود مکلف است که وی باید در تشخیص آن به عرف مراجعه کند (خمینی، ۲۷/۱). لذا به منظور اثبات علمی ضرر روحی و روانی استمتاع از صغیره و تبعات و پیامدهای منفی آن، به مطالعه و بررسی پژوهش های صاحب نظران و نتایج و دستاوردهای روان شناسان و جامعه شناسان متخصص نیاز مندیم.

طبق بررسی معتبرترین و معروف ترین نظریات شخصیت در روانشناسی، استمتاع جنسی از کودک سبب بروز آسیب های روحی و روانی جدی بر کودک می شود و شخصیت آینده او را تخریب می کند.

۱. هل يجوز الاستمتاع بما عدا الوطء من النظر واللمس بشهوة والضم والتفخيد؟ الظاهر ذلك؛ ولو في الرضعة؛ للاصل السالم عن المعارض.

نظریه رشد روانی اجتماعی اریکسون،^۱ می‌گوید: شخصیت هر فرد، طی مراحل رشد می‌یابد؛ به این معنا که در هر سنی از نظر جسمی و روحی، فرد آمادگی کسب تجربیاتی در حد سن خود را دارد. هر مرحله در نظریه اریکسون به صلاحیت یافتن و شایسته شدن در محدوده‌ای از زندگی مربوط است که اصطلاحاً به آن «رشد» یا بلوغ روانی می‌گویند (هیلگارد، ارنست روپیکوت، ۱۹۴۸). او اعتقاد داشت که شخصیت هر فرد، طی مراحل رشد می‌یابد. منظور از رشد، تنها جنبه‌های جسمی و فیزیولوژیکی آن نیست، بلکه جنبه‌های شناختی و اجتماعی و روحی نیز است. اریکسون عقیده داشت که فرد چنانچه در مراحل رشد خود با تضادی روبه‌رو شود که متناسب با مرحله رشد او نباشد، سلامت روانی او به خطر می‌افتد. اگر مرحله‌ای به‌طور ضعیفی مدیریت شود، حس بی‌کفایتی در شخص پدید خواهد آمد و این حس بی‌کفایتی و شک به خود در آن‌ها باقی می‌ماند (شاهمرادی، ۵).

بر اساس نظریه رَسَنی آرنولد گزل^۲ که پیشوای طرفداران رشد طبیعی به شمار می‌آید نیز دستگاه عصبی کودک در هر سنی باید به اندازه کافی رشد کند تا بتواند تکالیف متناسب با آن سن را درک کند و با هدایت عوامل درونی‌اش بر آن تکالیف تسلط یابد. او معتقد است که باید نشانه‌های رَسَنی کودکان را در مراحل مختلف در نظر گرفت. مراحل رَسَنی، ابتدا جسمی است، بعد عاطفی و بعد روانی و اجتماعی است. عدم توفیق و دستیابی فرد در هر یک از مراحل ذکر شده می‌تواند سبب ایجاد اختلال از نظر روحی و عاطفی شود (ویلیام کرین، ۵۰).

بنا بر نظریه رشد شخصیت فروید^۳ که یکی از معروف‌ترین نظریه‌ها در علم روانشناسی است، شخصیت انسان‌ها غالباً تا سن پنج سالگی شکل می‌گیرد و تجربیات اولیه، نقش مهمی در رشد شخصیت فرد ایفا می‌کند و تأثیرات آن‌ها در رفتارهای بعدی انسان در زندگی تداوم می‌یابد (شولتس، دوآن و سیدنی الن شولتس، ۱۹۷۱). او معتقد بود که اختلال‌های روان‌رنجوری که بیمارانش از خود نشان می‌دادند، از تجارب دوره کودکی آن‌ها سرچشمه گرفته است. او تجربیات کودکی را به قدری مهم می‌دانست که می‌گفت: شخصیت فرد بزرگسال در پنج سالگی به‌طور محکم شکل می‌گیرد و متبلور می‌شود. از نظر فروید، مرحله رشد روانی جنسی شخصیت، هنگام بلوغ آغاز می‌شود که بدن از نظر فیزیولوژیکی در حال

۱. اریک اریکسون: (Erik Erikson- 1902-1944)، روان‌شناس آمریکایی است. نظریه رشد روانی اجتماعی او یکی از معروف‌ترین نظریه‌های شخصیت در روان‌شناسی است.

۲. آرنولد گزل (Arnold Gesell- 1880-1961)، یکی از مشهورترین روان‌شناسان آمریکایی است که سال‌ها رئیس کلینیک رشد کودک دانشکده پزشکی دانشگاه ییل در آمریکا بوده است. او را باید پیشوای طرفداران رشد طبیعی به شمار آورد.

۳. زیگموند فروید (Sigmund Schlomo Freud - 1856-1939)، عصب‌شناس برجسته اتریشی است که پدر علم روان‌کاوی و روان‌شناسی مدرن شناخته می‌شود.

پختگی است (همان).

به نظر فروید، جریان رشد از مراحل مختلفی می‌گذرد و تحول غریزه عمومی جنسی رشد را سازمان می‌دهد و در هر سنی یک مرحله جدید روانی-جنسی بروز می‌کند. هر مرحله در سلسله مراتب رشد کودک چنان ثبت شده است که در زمان معین و تحت شرایط مناسب محیطی تحقق می‌یابد. تجربه‌های ناخوشایند هر مرحله نیز سبب تثبیت کودک در آن مرحله می‌شود و مشکلاتی را برای او به بار می‌آورد. البته به عقیده فروید، مفهوم جنسی فقط شامل آمیزش جنسی نیست، بلکه عملاً شامل هر تجربه و لذت‌جویی جنسی می‌شود (اخوان، ۱۱۳).

نظرات روانشناسان مطرح دنیا مؤید این مطلب است که شخصیت فرد بر اساس تجربه‌های اولیه زندگی او شکل می‌گیرد و بسیاری از اختلال‌های روان‌رنجوری انسان‌ها ناشی از تجارب دوره کودکی آن‌ها است که متناسب با رشد فیزیکی، ذهنی و عاطفی آن‌ها نبوده است.

طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، (WHO- 2017) هرگونه بدرفتاری فیزیکی یا عاطفی، سوءاستفاده جنسی، غفلت یا رفتار همراه با بی‌توجهی یا استهزام که منجر به آسیب واقعی یا احتمالی به سلامت، بقای رشد یا کرامت کودک در زمینه روابط یا مسؤلیت اعتماد یا قدرت شود، کودک‌آزاری تلقی می‌شود. طبق مطالبی که ذکر شد، چنانچه تجربیات کودک فراتر از شرایط روحی، ذهنی و فیزیولوژیکی و مراحل رشد او باشد، دچار آزار هیجانی می‌شود. آزار هیجانی هر نوع آزار/غفلت یا عدم حمایت در برابر آزار/غفلت را شامل می‌شود که بالقوه آسیب‌زاست؛ راجع به رشد هیجانی کودک بی‌توجه است و با اثرات منفی طولانی مدت و عمیق عملکرد بدرفتاری، هیجانی و اجتماعی مرتبط است (ون هارملن و همکاران، دی‌بلیس و همکاران، ۳۸). آزار هیجانی از مصادیق بارز کودک‌آزاری است. شواهد حاکی از آن است که آزار هیجانی با پیامدهای زیان‌آور بلندمدت دوران کودکی همبستگی دارد. مطالعات در بزرگسالان با سابقه آزار هیجانی نشان داده‌اند که این نوع از آزار با عزت نفس پایین، اضطراب، احساس گناه یا حس قربانی‌خسونت تعاملات بین فردی بودن مرتبط است (تاسینگ و کالهانه، ۲۰۱۰). کودک‌آزاری به هر شکل که باشد پیامدها و عواقب ناگواری دارد، اما خطر مشکلات عاطفی و سازشی آن بیشتر است (لعلی و عابدی، صص ۹۴ تا ۸۱).

مطالعات و آسیب‌شناسی بر روی بزرگسالانی که در دوران کودکی دچار آزار هیجانی شده‌اند، حاکی از این است که فشار روانی آسیب‌زای دوران کودکی با اثرات منفی بر رشد مغز همبستگی دارد (Schoe. 21). همچنین از پیشرفت‌های اخیر در علم عصب‌شناسی، تحولی به دست آمده است که فشار روانی زود هنگام زندگی، تغییرات دائمی را در مدارهای عصبی ایجاد می‌کند که سبب نقص شناختی،

حساسیت در مقابل درد، افسردگی، اضطراب و خواب آشفته می‌شود (Heim, Christine, 63).

شواهد حاکی از این است که کیفیت مراقبت اولیه زندگی، تعیین‌کننده سلامت عصبی، روحی و روانی فرد در بزرگسالی است. سیستم‌های فشار روانی که شامل هیپوتالاموس، هیپوفیز، آدرنال و سیستم کاتکولامین (سیستم عصبی سمپاتیک، نور اپی نفرین) هستند که برای بقا ضروری است. فشار روانی بسیار زیاد همچون تجارب آزاردهنده کودکی، مستقیماً به تغییرات این سیستم‌ها منجر می‌شود که اثرات بدی بر رشد مغز دارد (De bellis and coworkers, 923-944) و به تغییرات مداوم در ساختار، عملکرد و شیمی مغز منجر می‌شود و در طی زمان، کودکان در معرض خطر گسترش پاسخ افراطی به فشار روانی جزئی قرار می‌گیرند (Hagele, Dana, M.66). نتایج نشان می‌دهد که بین میزان آسیب‌دیدگی دوران کودکی و نقص عملکرد شناختی و حافظه بلندمدت افراد، رابطه وجود دارد. در افرادی که در کودکی آزار هیجانی را تجربه کرده‌اند، نقص حافظه، تغییر ساختار و عملکرد مناطق مغزی مشاهده می‌شود (Majer, Matthias and coworker 5).

درباره اثرات مخرب این تأثیرات در دوران کودکی بر عملکرد سیستم مغزی و روانی فرد که سبب انواع اختلالات و مشکلات در فرد و تعاملات بین فردی او می‌شود، پژوهشی بر روی یک جامعه آماری دانش‌آموزان دختر نوجوان مقطع راهنمایی، عملکرد عصب روان‌شناختی دانش‌آموزان دختر آزاردیده هیجانی با دانش‌آموزان دختر عادی انجام شد (۳۰ دانش‌آموز با آزاردهنده هیجانی و ۳۰ دانش‌آموز عادی) که در این نمونه‌گیری از آزمون‌های بندرگشتالت، آزمون‌های وکسلر و آزمون تصویری ری استفاده شد. نتیجه این پژوهش حاکی از این است که دختران آزاردیده هیجانی، تعداد خطاهای بیشتری را مرتکب شده‌اند و میزان اختلال مغزی در دانش‌آموزان آزاردیده هیجانی، به‌طور معناداری بیشتر از دانش‌آموزان عادی بوده است (نوروزی چهارقلعه و همکاران، ۱۲).

در پاسخ به دلیل اول مجوزان که عموماً و اطلاق ادله را دلیل جواز استمتاع از صغیره ذکر کرده‌اند، باید گفت: از آنجا که قاعده نفی ضرر قاعده‌ای عام است و منحصر در ضررهای جسمانی نیست، بلکه شامل ضررهای روحی، عاطفی و روانی نیز خواهد بود. بنابراین قطعاً آسیب‌های روانی هم از نظر اسلام مهم بوده است و می‌تواند ملاک صدور حکم قرار گیرند؛ در نتیجه، با توجه به اینکه طبق نظریات متخصصان ثابت کردیم استمتاع از زوجه صغیره به دلیل اینکه با شرایط فیزیولوژیکی جسمی و روحی کودک منافات دارد و متناسب با مراحل رشد او نیست، لذا برای طفل ضرر روحی و جسمی به دنبال دارد و مقتضای قاعده، حکم جایز نبودن هرگونه استمتاعی از زوجه نابالغ حکم است، زیرا بی‌شک قاعده نفی ضرر از جمله احکام ثانویه است و بر ادله احکام اولیه حکومت دارد (انصاری، ۱۲۷/۲)؛ به این صورت که قاعده لاضرر

احکام ضرری را از اطلاق و عموم ادله خارج می‌سازد و اطلاقات را تقیید می‌زند؛ به این معنا که ادله اولیه اطلاق و عموم دارند، یعنی شامل همه احکام، اعم از ضرری و غیرضرری می‌شود و در اینجا قاعده لاضرر، احکام ضرری را از عمومات خارج می‌سازد و اطلاقات را تقیید می‌زند و به دلیل این قاعده مسلم فقهی، استتماعات از عموم این ادله به خاطر ضرری بودن خارج می‌شود.

احکام دینی هنگام نزول در عصر بعثت صرف نظر از اینکه کلام خدا یا سیره و گفتار پیامبر (ص) باشد، در نظر عقلای آن زمان، عاقلانه و عادلانه، اخلاقی و توجیه‌شدنی بوده است و از مقررات و قوانین مشابه، منطقی‌تر و موجه‌تر به نظر می‌رسیده و در جامعه مفید و کاربردی بوده است. در زمان فعلی نیز اگر قرار است حکمی پذیرفته شود باید به عرف عقلای زمان حال، منطقی، عادلانه، اخلاقی، عقلانی، مفید و کاربردی باشد وگرنه از درجه اعتبار ساقط است. از امتیازات قوانین و مقررات اسلامی همین است که روح اخلاق در تک تک مواد آن وجود دارد، البته جز این هم انتظاری نیست؛ زیرا تنافی احکام اسلامی و اخلاق، نظم اجتماعی را به هم می‌ریزد و مردم با قوانین غیراخلاقی همراهی نمی‌کنند؛ لذا مسئله‌ای که از نگاه مردم، خلاف عرف و فضایل اخلاقی باشد، پذیرفته نمی‌شود.

دختر صغیره قبل از سن بلوغ به لحاظ جسمی و روحی و شرایط فیزیولوژی بدنی به حدی نرسیده است که استمتاع را درک کند و از آن لذت ببرد، لذا بهره‌بردن جنسی و استمتاع از او صرف نظر از ضررهای جسمی و روحی، نوعی بهره‌کشی جنسی تلقی می‌شود که از نظر اخلاقی قبیح و زشت است.

کودکی که استمتاع قرار می‌شود بدون اینکه درک ابتدایی از مسائل جنسی داشته باشد و بعد از بلوغ متوجه شود ابزاری برای لذت جویی و اطفای شهوت دیگری بوده است در حالی که حتی درک ابتدایی از مسائل جنسی نداشته است، صرف نظر از آسیب‌های روحی که متوجه او شده، کرامت و شخصیت‌اش زیر سؤال می‌رود و از نظر عقل سلیم و قواعد اخلاقی این عمل مصداق بارز کودک‌آزاری و نقض کرامت انسانی به شمار می‌رود. دختر صغیره، کودکی است که طبق عرف و شرع باید مطابق با اصول و قواعد کودکی با او رفتار کرد و آزار و آسیب روحی ناشی از استمتاع به مصلحت او نیست و در عصر حاضر که مضرات و آسیب‌های روحی این عمل توسط متخصصان و صاحب نظران ثابت شده است، منکر و قبیح تلقی می‌شود، حکم جواز استمتاع از صغیره را با این عمومیتی که گفته شد به دلیل داشتن قبح اخلاقی و عقلی نمی‌توان پذیرفت و لذا عمومات استمتاع زوج از زوجه، انصراف دارد به مواردی که بین عقلا متعارف است و شامل استمتاع از صغیره نمی‌شود و عقلاً آن را پذیرفته نمی‌دانند.

ب. پاسخ دلیل دوم: در پاسخ به کسانی که برای جواز استتماعات از زوجه نابالغ به اصل اباحه استناد کرده بودند، می‌توان به دلایل مذکور اشاره کرد. بنابراین باتوجه به حاکمیت مطلقه که برای قاعده

لاضرر در این خصوص قائل هستیم، قائل شدن به جواز استمتاع، فاقد حجیت شرعی است و این قاعده، بر اصل اباحه نیز حاکم است و در پاسخ برخی از فقها که برای جواز سایر استمتاعات از زوجة نابالغ، به اصل اباحه استناد کرده بودند (صاحب‌جواهر، ۴۲۵/۲۹) و با این استدلال که اصل بر جواز و اباحه این‌گونه استمتاعات است، مگر اینکه نهی و ردعی از سوی شارع وارد شده باشد؛ در اینجا نیز قاعده لاضرر حاکم بر اصل اباحه است و با وجود این قاعده، مجالی برای جریان اصل اباحه باقی نمی‌ماند.

ج. پاسخ دلیل سوم: دلیل دیگر معتقدان به جواز استمتاعات از زوجة نابالغ، اجماع فقها از جمله آیت‌الله سیدصادق روحانی، صاحب فقه الصادق (ع) و سبزواری صاحب مهذب الاحکام (۷۳/۲۴)^۱ است.

در پاسخ به این دلیل باید گفت: اولاً، بسیاری از فقهای متأخر و متقدم اصلاً متعرض این مسئله نشده‌اند و نظر خود را در این خصوص بیان نکرده‌اند و به سکوت از این مسئله گذشته‌اند، پس چگونه می‌توان ادعای اجماع کرد؟

به نظر می‌رسد ادعای اجماع، مورد مناقشه است؛ چراکه ابن جنید اسکافی، شیخ مفید، سلار دیلمی، شیخ طوسی، ابن ادریس، محقق حلی و علامه حلی، در کتب خود فقط به اصل جواز تزویج دختر نابالغ پرداخته و اصلاً متعرض بحث استمتاع نشده‌اند (مفید، ۷۴۷؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۲، مراسم، ۲۴۱؛ ابن جنید، ۱۴۱۶، مجموعه فتاوا، ۲۴۸؛ طوسی، ۱۴۰۷، النهایة، ۲۵۷؛ ابن ادریس، ۵۳۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۲، نکه النهایة، ۲۹۲؛ علامه حلی، مختلف الشیعة، ۶۳)، لذا نمی‌توان ایشان را از موافقان بحث مذکور در نظر گرفت و ادعای اجماع را پذیرفت.

ثانیاً: از آنجاکه مستند اجماع این فقها روایات متعدد در خصوص استمتاع از صغیره است، کاشفیت اجماع محل تردید است؛ چراکه دلیل این فقها همان اطلاق در روایات است، مدرک و دلیلشان روایت است، اجماع از نوع مدرکی است و چنین اجماعی از حجیت ساقط است (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۰، ۲۰۸/۳)؛ زیرا کاشف از قول معصوم نیست و فاقد اعتبار لازم است.

نتیجه‌گیری

نظریات روان‌شناسان و صاحب‌نظران مطرح دنیا مبین این واقعیت است که تجربیات کودک باید در حد رشد جسمی و روحی و عاطفی او باشد. چنانچه با او رفتاری شود که با رشد فیزیولوژی، روحی و عاطفی او همخوانی ندارد، کودک دچار آسیب‌های روحی جدی، اختلالات، اضطراب‌های روانی،

۱. هل يجوز الاستمتاع بما عدا الوطء من النظر واللمس بشهوة والضم والتفخيد؟ الظاهر ذلك؛ ولو في الرضعة؛ للأصل السالم عن المعارض.

افسردگی و... خواهد شد. بنا بر نظرات دانشمندان مذکور، سنی که محل بحث ماست، اصلاً سنی نیست که فرد در آن به مراحل بالای رِسِّش یا بلوغ روحی و روانی رسیده و آمادگی درک لذت‌ها و کام‌جویی‌های جنسی را داشته باشد و مورد استمتاع قرار گیرد؛ چراکه دستگاه عصبی کودک به‌قدر کافی رشد نکرده است، لذا می‌توان نتیجه گرفت با توجه به اینکه متخصصان به این تشخیص رسیده‌اند که استمتاع از صغیره برای کودک ضرر روحی به همراه دارد و می‌تواند آسیب‌های جدی به روان او وارد کند و از طرفی طبق قواعد فقهی در شریعت مقدس اسلام هرآنچه برای جسم و روان انسان مضر باشد، عملی حرام تلقی می‌شود و شرعاً جایز نیست، پس استمتاع از صغیره مجاز نیست و به دلیل ضرری که دارد غیر مشروع و حرام است. به نظر می‌رسد آراء فقهایی که در گذشته و حال رأی به جواز آن داده‌اند، احتمالاً ناشی از عدم کشف و احراز آسیب‌های متعدد روحی و عدم اثبات قبح عرفی و اخلاقی نزد آنان است و در حال حاضر با تغییر موضوع و محرزشدن ضررهای متعدد یادشده نمی‌توان حکم به جواز این امر داد.

منابع

- ابن‌ادریس، محمدبن‌احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
اخوان، بهروز، بررسی مراحل رشد روانی-جنسی از دیدگاه فروید، بی‌جا: بی‌نا، ۲۰۱۳م.
انصاری، مرتضی‌بن‌محمد امین، فرائد الاصول (الرسائل)، قم: مصطفوی، ۱۴۱۱ق.
بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیة، تهران: عروج، ۱۴۰۱ق.
بحرانی، محمد، سند العروة الوثقی، کتاب النکاح، قم: فدک، ۱۴۲۹ق.
حر عاملی، محمدبن‌حسن، وسائل الشیعة، قم: آل‌البیت(ع)، ۱۴۰۹ق.
حکیم، محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم: منشورات مکتبة آیت‌الله النجفی، ۱۴۰۴ق.
خمینی، مصطفی، مستند تحریر الوسیلة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا.
خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیلة، قم: دار العلم، بی‌تا.
خویی، ابوالقاسم، موسوعة الامام الخوئی، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق.
_____، مبانی تکملة المنهاج، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی(ره)، ۱۴۲۲ق.
_____، مستند العروة الوثقی، کتاب النکاح، قم: منشورات مدرسه دار العلم، ۱۴۱۳ق.
روحانی، صادق، فقه الصادق، بی‌جا: دار الکتاب مدرسه امام صادق(ع)، ۱۴۱۲ق.
سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام، قم: دار التفسیر، ۱۳۸۸.
شاهمرادی، مهدی، «روان‌شناسی رشد، نظریه‌های رشد (پیازه-اریکسون)، مراحل رشد، دانشنامه رشد»، سایت: کلینیک فراروان.

- شیرینی رنجانی، موسی، کتاب النکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، ۱۴۱۹ق.
- شولتس، دوآن و سیدنی الن شولتس، تاریخ روان‌شناسی نوین، ترجمه علی اکبر سیف و همکاران، چاپ دوم، تهران: دوران، ۱۳۸۲.
- شهیدثانی، زین‌الدین بن علی، مسالك الافهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- صاحب‌جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- صانعی، یوسف، استفتانات قضایی، بی‌جا: میزان، ۱۳۸۴.
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم، العروة الوثقی (المحشی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
- طوسی، محمدبن حسن، النهایة، بی‌جا: مؤسسه اهل بیت (ع)، بی‌تا.
- _____، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۰ق.
- _____، قواعد الاحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۷۲۶ق.
- _____، مختلف الشیعة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- علم الهدی، علی بن حسین، الانتصار، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.
- عندلیب همدانی، محمد، «سایت اطلاع‌رسانی آیت‌الله عندلیب همدانی»، بررسی فقهی کودک همسری، ۲۷ بهمن، ۱۳۹۷.
- فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۴۲۱ق.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- گلپایگانی، محمدرضا، هدایة العباد، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.
- لعلی، محسن و احمد عابدی، «بررسی رابطه بین سابقه انواع بدرفتاری والدین در دوران کودکی با افسردگی دوران بزرگسالی در بیماران سرپایی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره»، فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، دوره ۴، ش ۴، ۱۳۸۷، 1387.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- مرعشی، شهاب‌الدین، القصاص علی ضوء القرآن و السنة، بی‌جا: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۱۵ق.
- مغنیه، محمدجواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، چاپ هفتم، بیروت: کانون الثانی، ۱۴۰۲ق.
- مفید، محمد بن محمد، المقنعة، ناشر: المؤتمر العالمی لألفية الشیخ المفید (ره)، ۱۴۱۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع)، ۱۴۱۱ق.
- نابینی، محمدحسین، اجود التقریرات، قم: مصطفوی، ۱۳۵۵.

نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: آل البيت، ۱۴۱۵ ق.
ویلیام کرین، نظریه رسی گزل نظریه های رشد-شر رشد-روانشناسی ژنیتیک، ترجمه غلامرضا خوی نژاد و علیرضا رجایی، بی جا: سمت، بی تا.

De Bellis, Michael. D, Broussard, Elise. R, Herring, David. J, Wexler, Sandra, Moritz, Grace & Benitez, Hohn. G. (2001). Psychiatric co-morbidity in caregivers and Children involved in maltreatment: a pilot research study with policy implications, Child Abuse and Neglect, 25, 923-944, www. Scienc Direct. Com.

Hagele, Dana. M. (2005). The impact of maltreatment on the developing child, NC Med Journal, Vol, 66, No 5, www.Google. Com.

Heim, Christine, Wanger, Dieter, Maloney, Elizabeth, Papanicolaou, Dimitris. A, Solomon, Laura, Jones, James. F, Uger, Elizabeth. R & Reeves, William. C. (2006). Archives of General Psychiatry, Vol. 63, No. 1, 1258-1266, www.Science Direct. Com.

Majer, Matthias. , Nater, Urs. M. , Lin, Jin-Mann. S. , Capuron, Lucile. . & Reeves, William. C. (2010). Association of childhood trauma with cognitive function In healthy adults: a pilot study M C Neurology, www.ncbi. nlm. nih.gov/Bio Med Central online. Org.

Schore, Allan. N. (2001). The effects of early relational trauma on right brain development affect regulation, and infant mental health, Infant Mental Health journal, 22, 201, 269, www.trauma-pages. Com.

- "Introduction to Developmental Psychology", Kendra Van Wagner,
[http://psychology. about.com/](http://psychology.about.com/)

پرتال جامع علوم انسانی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی